

بررسی مسائل و مشکلات تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان

دکتر میثم نریمانی^۱

مقدمه

و عمومی را برای توسعه و تولید محصول در این شرکت‌ها، از طریق سرمایه‌گذاری خطرپذیر، تسهیل بخشد. باوجود این، در حال حاضر تقریباً هیچ‌کدام از این دسته صندوق‌ها از طریق حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکار سرمایه‌گذاری خطرپذیر کسب درآمد نمی‌کنند. بیشتر عملیات این صندوق‌ها و راه کسب درآمد آن‌ها از طریق سپرده‌کردن سرمایه در بانک‌ها، یا صدور ضمانت‌نامه و کارگزاری است. از آنجایی که بخش زیادی از سرمایه این صندوق‌ها سهم دولت است، صرف‌شدن آن در مواردی غیر از توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان مسئله‌ای است که عدم موفقیت آن‌ها را مشهودتر می‌کند. همچنین، صندوق نوآوری و شکوفایی نیز، که تمام آورده آن از دولت تأمین شده است، با چنین مسئله‌ای روبه‌رو است. در کنار این صندوق‌ها، برخی شرکت‌ها نیز در امر سرمایه‌گذاری خطرپذیر وارد شده‌اند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر بورسی نیز نتوانسته‌اند موفقیتی در کسب‌وکار سرمایه‌گذاری خطرپذیر داشته باشند. این مسئله از آنجا نشئت می‌گیرد که بازار پول، با محوریت بانک مرکزی، فاقد انعطاف لازم برای تأمین مالی این دسته از شرکت‌هاست. این بازار بیشتر از ابزار پولی، که در قالب وام ظاهر می‌شود، ارائه خدمت می‌کند و کمتر از دیگر شیوه‌های تأمین مالی سود می‌برد.

در صورتی که تجربه به‌خوبی نشان می‌دهد که مدل‌های مبتنی بر وام برای این کسب‌وکارها چندان مفید نیستند و چه بسا مضرند. به‌علاوه، مشکلاتی نیز بر سر اخذ این وام وجود دارد. بیشتر شرکت‌های دانش‌بنیان شرکت‌های کوچک و متوسط و نوپا هستند و دارایی برای وثیقه‌گذاری ندارند.

یکی از اولویت‌های مهم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری، تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در کشور است. نگاه به عملکرد کشور در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که به‌رغم ایجاد برخی زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، همچون نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده، ارتقا و تجهیز زیرساخت‌های آزمایشگاهی و نیز پیشرفت‌های چشمگیر علمی، نتوانسته‌ایم در عرصه توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و کسب ثروت از فعالیت‌های دانشی در کشور موفق باشیم.

برای رفع این کاستی، معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور به دنبال آن است محوریت «بنگاه» و «حمایت از ارتقای فعالیت‌های دانشی در آن» را از طریق قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، به‌منزله بزرگ‌ترین برنامه ملی توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، بیش از پیش مورد توجه قرار دهد.

براین مبنا، خدمات مالی تخصصی مرتبط با توسعه نوآوری در بنگاه، یکی از اصلی‌ترین محورهای توسعه این کسب‌وکارها است و مهم‌ترین محرک بهبود آن‌ها از حیث رسوخ دانش، ارتقای نوآوری و افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی محسوب می‌شود. بدیهی است تنظیم دقیق این ابزارهای مالی با هدف بهبود کارآفرینی و رقابت‌پذیری بین‌المللی مستلزم توجه ویژه است.

ابزارهای متنوع، موفق یا ناموفق

سرمایه‌گذاری خطرپذیر: نمونه‌ای نه چندان موفق

موانع متعددی بر سر راه توسعه موفقیت‌آمیز این ابزارها وجود دارد؛ مثلاً تا کنون حدود ۱۸ صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی در کشور تأسیس شده تا مشارکت بخش خصوصی

۱. سرپرست دفتر سیاست‌گذاری و ارزیابی راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.

نظام ضمانت اعتباری: حلقه مفقود زنجیره تأمین مالی مبتنی بر وام

در بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه کشورهایی که سهم قابل توجهی از کسب‌وکارهای آنان را بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند، مانند کره جنوبی یا ژاپن، برای کاهش مشکل وثیقه‌گذاری این شرکت‌ها نظام ضمانت اعتباری تشکیل شده است.

برای پیاده‌سازی این ضروری است این شرکت‌ها اعتبارسنجی شوند و بر اساس نتایج آن، دولت کمبود وثیقه آن‌ها را تأمین کند؛ مثلاً شرکتی با اعتبار درجه «الف» می‌تواند، برای گرفتن وام، مبلغی بسیار کم‌تر از معادل آن را وثیقه بگذارد. در این شرایط مسئله کشور فقدان نظام اعتبارسنجی و رتبه‌دهی مناسب است. ریشه اصلی این مشکل را می‌توان در این مسئله یافت که اعتبارسنجی نیازمند گره‌خوردن سیستم‌های مختلف اطلاعاتی به یکدیگر است، برای مثال در کشورهای پیشرفته اگر کسی قبض برق خود را دیر پرداخت کند یا چراغ قرمز را رد کند اطلاعات او ثبت می‌شود و در اعتبار او تأثیر می‌گذارد. اما در کشور ما حتی دو سیستم اصلی اعتباری که مالیات و تسهیلات بانکی است با هم یکپارچه نیستند و هنگام ارائه تسهیلات نمی‌توان به‌صورت شفاف از وضعیت مالیاتی شرکت مطلع شد.

مسئله دیگر پیش‌روی شرکت‌های دانش‌بنیان، ضمانت‌های مرتبط با ترتیب‌های قراردادی است. شرکت‌های کوچک و متوسط، برای شرکت در مناقصات، به ضمانت مالی نیاز دارند که تهیه آن از توان آن‌ها خارج است. این ضمانت مستلزم بلوکه کردن مبالغ قابل توجهی است که در اغلب موارد این شرکت‌ها نمی‌توانند آن را تأمین کنند.

سازوکار دیگری که به‌رغم موفق بودن در دنیا در کشور ما به‌علت ضعف زیرساخت‌های قانونی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، این است که شرکت‌ها می‌توانند اسناد برنده‌شدن خود در مناقصه را برای تأمین مالی در بانک گذاشته و اعتبار مالی بگیرند. در اینجا بانک مطمئن است در صورت نکول، می‌تواند این اسناد را به پول تبدیل کند. یعنی قرارداد را به طرف دیگری بسپارد و از محل انجام آن پول خود را به‌دست آورد.

همان‌طور که اشاره شد، این موضوع سازوکارهایی لازم دارد تا بتوان طرح را وثیقه دریافت وام قرار داد که این سازوکارها در نظام حقوقی کشور هنوز تعبیه نشده است. اگر چنین سازوکارهایی در کشور وجود داشته باشد، می‌توان در ترتیبات قراردادی ضمانت‌نامه‌های حسن انجام کار، پیش‌پرداخت، شرکت در مناقصه و مواردی از این دست مشکلات این شرکت‌ها را برطرف کرد.

موضوع دیگری که توجه در حوزه ضمانت و وثیقه می‌تواند به‌میزان قابل توجهی مشکلات را کاهش دهد، موضوع دارایی‌های

دانشی یا نامشهود است. یکی از منابع اصلی دارایی شرکت‌های دانش‌بنیان این دارایی‌های دانشی هستند که بر خلاف ضمانت‌نامه مالی یا سند دارایی مشهود برای بانک‌ها قابل ارزش‌گذاری نیستند. در نظام بانکی کشور، دارایی‌های معنوی مانند لیسانس یا پتنت نمی‌توانند وثیقه دریافت اعتبار قرار گیرند. اگرچه این کار در نظام مالی جهان هم روند پیچیده‌ای دارد و نخست فناوری باید ارزش‌گذاری شود. این کار خود نیازمند ارزیابان فناوری و مؤسساتی است که از عهده این کار برآیند. پس از آن شرکت‌های بیمه‌گری باید باشند که این دارایی را بیمه کنند تا در صورت ایجاد مشکل بانک بتواند خسارت خود را از بیمه بگیرد. در نهایت، برای آنکه بانک و شرکت دانش‌بنیان منظور یکدیگر را متوجه بشوند، باید مجموعه نهادهای واسط میان آن‌ها توسعه پیدا کند. مؤسساتی که بتوانند دارایی معنوی را قیمت‌گذاری یا خرید و فروش کنند و بتوانند محل رجوع بانک‌ها باشند.

تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان یا تأمین مالی فعالیت‌های دانشی؟

برخی مواقع نظام تأمین مالی شرکت دانش‌بنیان و نظام تأمین مالی فعالیت‌های علمی به‌خوبی تمییز داده نمی‌شوند. بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان، که مورد حمایت معاونت علمی و فناوری قرار می‌گیرند، در واقع نیازمند گزنت علمی هستند. آن‌ها فکر تحقیقاتی دارند و برای انجام آن به کمک نیازمندند. وام‌دادن به این افراد یا شرکت‌ها مشکل‌آفرین است، زیرا آن‌ها هنوز بضاعت لازم برای حضور در بازار را ندارند. این افراد هنوز با مفاهیمی مانند مالیات و بیمه و استخدام نیروی انسانی آشنا نیستند و سرمایه‌انجام کار اقتصادی را ندارند. در این مرحله لازم است برای انجام کار تحقیقاتی به آن‌ها کمک کرد. آن‌ها ایده دانش‌بنیانی دارند، اما هنوز شرکت دانش‌بنیان نیستند و لازم است برای حمایت از آن‌ها سازوکار لازم را فراهم کرد. در صورت موفقیت در این مرحله آن‌ها آماده رفتن به بازار می‌شوند.

نظام تأمین مالی علم در کشور نقایص زیادی دارد و به‌خوبی از عهده حمایت از این دسته افراد صاحب فکر و نظر بر نمی‌آید. آن‌ها اغلب سراغ پارک‌ها می‌روند و چون توان پارک‌ها کافی نیست، به دنبال تأییدیه عنوان شرکت دانش‌بنیان می‌روند تا از تسهیلات آن استفاده کنند درحالی‌که هنوز به بلوغ لازم برای تأسیس شرکت نرسیده‌اند.

فراتر از تأمین مالی: ارزش‌گذاری فناوری به‌منزله زیرساخت شکل‌گیری بازار تبادل شرکت‌های دانش‌بنیان

در نهایت، باید مدنظر داشت که این شرکت‌ها برای ادامه فعالیت نیازمند بازاری هستند که در آن فناوری و امتیاز شرکت

شوند، دست آن‌ها از نظر قانونی برای انجام این کارها باز نیست. در بازار پویای فناوری امروز شرکت‌های نوپا خرید و فروش می‌شوند. این دسته از شرکت‌ها که غالباً کوچک و متوسط هستند نیازمند تمهیدات خاصی برای تأمین وثیقه یا خرید و فروش شرکت و دارایی‌های خود هستند که هنوز به درستی فراهم نشده است. اگرچه قبل از پیش‌آمدن برخی از این مسائل باید راجع به آن‌ها اندیشه می‌شد. اما فشار امروز این دسته از شرکت‌ها نیروی لازم برای فراهم کردن زیرساخت‌ها را به وجود آورده است.

سخن آخر اینکه، تکمیل نظام مالی نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان مستلزم شکل‌دهی به طیف ابزارهای مالی مورد نیاز شرکت‌ها از مراحل اولیه نوآوری در قالب محصول، فرایند و یا الگوی کسب‌وکار تا توسعه و بلوغ شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی است. ابزارهای مالی تخصصی در حوزه «اعتبارسنجی»، ارائه خدمات «ارزیابی مالی» و استانداردهای فنی مرتبط با آن و نیز نهادهای «تحلیل و مدیریت ریسک» خصوصاً معطوف به عملکرد آینده، همچنان حلقه‌های مفقوده نظام مالی اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه نوآوری در کشور هستند.

به‌سادگی خرید و فروش شود. یکی از مسائل پیش‌روی شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه فناوری، چگونگی اتصال به شرکت‌های بزرگ و تأمین وثیقه لازم یا چگونگی ارزش‌گذاری دارایی نامشهود آن‌ها برای این کار است. در بازار شرکت‌های خطرپذیر، امتیاز تکنولوژی، شرکت نوپای صاحب ایده و مانند آن مثل کالا خرید و فروش می‌شود. این بازار نیازمند زیرساخت‌هایی است که هنوز فراهم نیست. برای مثال تشریفات خرید و فروش شرکت در قانون تجارت ممکن است مدت‌ها طول بکشد و برای خریدار و فروشنده مشکلات خاصی همراه داشته باشد. به طوری که در عمل خرید و فروش امتیاز شرکت به‌سختی اتفاق می‌افتد در حالی که پایه بازار کسب و کار خطرپذیر، خرید و فروش شرکت‌هاست.

در این بازار، سرمایه‌گذار شرکت را خریده و پس از تقویت به شرکت‌های بزرگ یا متقاضی واگذار می‌کند. در این میان موارد زیادی به شکست می‌انجامد که به همین علت است که آن را سرمایه‌گذاری خطرپذیر می‌نامند. در مقابل، در برخی موارد سود حاصل از فروش یک شرکت هزینه‌ها را جبران می‌کند. در نهایت، درحالی‌که مؤسساتی مانند صندوق نوآوری و شکوفایی نیز علاوه بر سایر صندوق‌ها و شرکت‌ها باید به چنین کسب و کارهایی وارد